

# مرگ ارادی از دیدگاه سید حیدر آملی

## و تحلیل عرفانی و روانشناختی آن

فاطمه کوکرم<sup>(۱)</sup>

عبدالله صلواتی<sup>(۲)</sup>

عین الله خادمی<sup>(۳)</sup>

با نپوشیدن لباسهای غرورآمیز و اشرافی، سالک به مرگ ارادی میتواند بمیرد. رنگ سبز نماد تعادل و پایداری است و سالک با مرگ ارادی واژین بردن نفسانیات، در خود به تعادل و جاودانگی دست پیدا میکند.

کلیدوازگان: انواع مرگ، مرگ ارادی، سلوک عملی، تحلیل عرفانی، تحلیل روانشناختی، سید حیدر آملی.

### طرح مسئله

گاهی در آثار عرفا از مرگ سخن گفته میشود و آن را بمثابه راهی بسوی رهایی از زنجها، ظلمها و مشقتها و دری به دنیای دیگر توصیف میکنند. منظور از این قسم مرگ، همان مرگ طبیعی است که سرانجام همه موجودات است. ولی گاهی از مرگ سخن بمیان میآید و مقصود از آن نه اجل طبیعی و اضطراری، که مرگ ارادی است؛ گاهی انسان قبل از اینکه بمیرد، با انتخابی نیک، خود را میمیراند. مرگ ارادی یا خودآگاهانه از اصطلاحات رایج میان عرفای است که با

### چکیده

این پژوهش به بررسی مرگ ارادی و اقسام آن از دیدگاه سید حیدر آملی پرداخته است و سعی شده با تحلیل عرفانی و روانشناختی، گونههای مرگ ارادی را تبیین نماید. عقیده نگارندگان، هریک از اقسام مرگ ارادی نوعی سلوک عملی محسوب میشوند. قدر مشترکی میان همه مرگها وجود دارد که عبارتست از فاصله‌گرفتن از تعلقات اینجهانی. پرسش اصلی آنست که چگونه میتوان تحلیلی عرفانی و روانشناختی از انواع مرگ بروایت سید حیدر آملی ارائه داد؟ بر این اساس، دستاوردهای این پژوهش عبارتند از: ۱) قدر مشترکی میان انواع مرگها وجود دارد و آن جدا شدن از تعلقات اینجهانی و فاصله‌گرفتن از آنهاست؛ حال، نوع این فاصله‌گرفتنها میتواند متفاوت باشد؛ گرسنگی، پوشیدن لباسهای خاص و ... همه اینها میتوانند ما را از تعلقات اینجهانی دور کنند. ۲) دستورد دیگر این پژوهش، تحلیل عرفانی و روانشناختی مرگ ارادی است؛ مثلاً مرگ سبز بمعنای پوشیدن لباس کم ارزش است و بنابرین

(۱). دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

fkookaram@sru.ac.ir

(۲). دانشیار فلسفه اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی تهران، ایران؛ a.salavati@sru.ac.ir

(۳). استاد فلسفه اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران؛ e\_khademi@sru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۱۵ نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 20.1001.1.15600874.1400.27.2.4.2